

The Voice of Art in Primary School: The Attitude of Senior Primary School Teachers and Students Towards Implementing Art Curriculum

**Farnaz Rajaee
Aghbolagh** 

M.A. Student in Primary Education, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Zahra Salehi
Moteahhed** 

Corresponding Author, Assistant Professor,
Department of Education, Allameh Tabataba'i
University, Tehran, Iran

Ehsan Ekradi 

Assistant Professor, Department of Education,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

This research aimed to investigate the attitudes of teachers and students in the senior primary education regarding the implementation of the art curriculum. A qualitative survey method with an inductive approach was employed. Participants included all teachers and students from the senior education in Shahre-Qods during the academic year 2024-2025, with 10 teachers and 10 students selected through purposeful sampling. The research instrument was a semi-structured interview, with data extracted via thematic analysis using MAXQDA software, organized around four core elements of the curriculum. Results indicated that diverse cognitive, attitudinal, and skill-based objectives were achieved in both teachers' and students' attitudes, with attitudinal objectives appearing most frequently. Regarding content, both groups focused on occasion-based material, activity diversification, and an integrated approach to art. Teachers also noted the use of subjective resources and students' prior art experiences. Student attitudes revealed interest in presented content

* Corresponding Author: zahrasalehi@atu.ac.ir

How to Cite: Rajaee Aghbolagh, F., Salehi Moteahhed, Z., Ekradi, E. (2024). The Voice of Art in Primary School: The Attitude of Senior Primary School Teachers and Students Towards Implementing Art Curriculum, *Qualitative Research in Curriculum*, 6(18), 63-99. DOI: 10.22054/qric.2025.87648.429

and overlooking certain artistic materials. In teaching methods, both groups emphasized simple, low-cost tools and materials, employing both traditional and modern techniques, with traditional methods being more prevalent. Teachers highlighted student preparation and participation, while students expressed diverse preferences for art class execution. In evaluation, both groups stressed feedback variety and both qualitative and quantitative criteria, with a greater emphasis on qualitative measures. Overall, findings suggest that the art curriculum undergoes changes from its development to implementation, potentially weakening its standing. Therefore, continuous teacher training and a review of the art curriculum content are recommended for educational authorities.

Keywords: Art Curriculum, Students, Teachers, Attitude.



صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره اجرای برنامه درسی هنر

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

فرناز رجائی آسی بلاغ 

استادیار گروه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

زهره صالحی متعهد  *

استادیار گروه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

احسان اکرادی 

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره اجرای برنامه درسی هنر بود. بدین منظور، روش پیمایش کیفی با رویکرد استقرایی به کار گرفته شد. مشارکت‌کنندگان شامل تمامی معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی شهر قدس در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند که از بین آنها، ۱۰ معلم و ۱۰ دانش‌آموز به روش هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون در نرم‌افزار MaxQDA استخراج و حول چهار عنصر برنامه درسی سازماندهی شدند. نتایج نشان داد هدف‌های شناختی، نگرشی و مهارتی متنوعی در هر دو گروه محقق شده که اهداف نگرشی فراوانی بیشتری داشت. محتوا، هر دو گروه به محتوای مناسبی، تنوع فعالیت‌ها و رویکرد تلفیقی هنر توجه نشان دادند. هم‌چنین معلمان به منابع سلیقه‌ای و بهره‌گیری از هنرهای پیشین دانش‌آموزان اشاره کردند. دانش‌آموزان نیز علاقه‌مندی به محتواهای ارائه‌شده و نادیده گرفتن برخی موارد هنری را ابراز داشتند. در روش تدریس، هر دو گروه بر سادگی و کم‌هزینه بودن ابزار و مواد آموزشی و استفاده از شیوه‌های سنتی و نوین تأکید داشتند که شیوه‌های سنتی رواج بیشتری داشت. معلمان به آمادگی و مشارکت دانش‌آموزان و دانش‌آموزان به تمایلات متنوع خود برای زنگ هنر اشاره کردند. در ارزشیابی، هر دو گروه بر تنوع بازخورد و ملاک‌های کیفی و کمی تأکید داشتند که ملاک‌های

۶۶ | فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی | سال ششم | شماره ۱۸ | بهار ۱۴۰۴

کیفی ارجحیت داشت. به طور کلی، یافته‌ها حاکی از تغییراتی در برنامه درسی هنر از تدوین تا اجرا است که این تغییرات به تضعیف جایگاه آن منجر می‌شود. بنابراین، پیگیری آموزش معلمان و بازنگری در محتوای برنامه درسی هنر برای دست‌اندرکاران نظام آموزشی توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی هنر، دانش‌آموزان، معلمان، نگرش.

مقدمه و بیان مسأله

کودکان، سرمایه‌های ارزشمند و آینده‌ساز هر کشوری هستند و نظام آموزش و پرورش، مسئولیت پرورش این سرمایه‌ها را بر عهده دارد. نظام‌های آموزشی با وجود اتخاذ رویکردهای گوناگون، از طریق سازمانی مشترک به نام مدرسه، به شکوفایی ابعاد همه‌جانبه کودکان می‌پردازند. از مهم‌ترین ابعاد رشدی کودکان دبستانی می‌توان به رشد شناختی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی اشاره کرد (مذبوحی، ۱۳۹۶) اما با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های فطری کودکان، زیبایی‌گرایی است و انسان به گونه‌ای آفریده شده است که به زیبایی‌ها گرایش دارد (ملکی، ۱۳۹۱)، ضروری است که علاوه بر پرورش ابعاد ذکر شده، بعد دیگری به نام زیبایی‌شناختی و هنری هم مورد توجه قرار گیرد. این بعد با پرورش خلاقیت، تخیل و ذوق هنری، به کودکان کمک می‌کند تا دنیای اطراف خود را بهتر درک کنند، احساسات خود را به‌طور مؤثرتری بیان کنند و مهارت‌های حل مسئله خود را تقویت نمایند.

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهادهای تعلیم و تربیت، سوادآموزی است؛ در پی انتقاد به نظام‌های آموزشی سنتی، وجود مقوله‌ای به نام جایگاه هنر در آموزش، ضرورت بیشتری یافته است (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳). در واقع تدریس هنر در کنار دروسی همچون ریاضی، علوم و ... موجب می‌شود تا فرد جهان اطراف خود را از دریچه‌ای نو مشاهده، درک و تفسیر کند. در این خصوص، آموزش هنر ادعاهای دیگری از قبیل افزایش خلاقیت، ارتقای شخصیت، بهبود حضور در مدرسه، تقویت مهارت‌های خوانداری و برانگیختن نیمکره راست مغز را عهده‌دار شده است (هورویتز و دی^۱، ۲۰۰۷: ۲۶).

نظریه‌پردازان متعددی از جایگاه هنر در برنامه درسی سخن به میان آورده‌اند، در این میان آیزنر^۲ به‌طور ویژه‌ای به حوزه موضوعی هنر پرداخته است. او آموزش را فرایند یادگیری برای خلق دوباره آدمی می‌داند که در همین راستا، هنر به‌عنوان یک فرایند و

1 Hurwitz & Day

2 Eisner

نتیجه این فرایند، ترویج‌کننده آن است ... او هم چنین «آموزش هنر به عنوان یک رشته^۱» را دیدگاهی مهم در این حوزه برمی‌شمارد که در آن چهار هدف اصلی ذکر شده است: نخست این دیدگاه برای ایجاد عملکرد هنری سطح بالا در دانش‌آموزان، موجب می‌شود تا آن‌ها مهارت‌های لازم را کسب و تخیلشان افزایش یابد. دوم اینکه دانش‌آموزان بتوانند ویژگی‌های هنری را ببینند و مورد بحث قرار دهند چرا که از منظر زیبایی‌شناختی، دیدن نوعی تخصص در عملکرد انسانی است که تنها از طریق تجربه حاصل نمی‌شود بلکه می‌توان آن را با تدریس و آموزش پرورش داد. سوم اینکه دانش‌آموزان بتوانند زمینه فرهنگی-تاریخی هنر را درک کنند که معنای دریافتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت، به درک ارزش‌های هنری در زیبایی‌شناسی نائل شوند تا بتوانند در گفت‌وگوهای عمیق فلسفی شرکت کنند (آیزنر، ۲۰۰۲: ۲۶-۲۷).

در همین راستا، برودی^۲ از متخصصان حوزه فلسفه تعلیم و تربیت، شرط اساسی یک آموزش متوازن و باکیفیت را گنجاندن هنر در برنامه درسی منظم و عادی دوره‌های مختلف تحصیلی به ویژه دوره ابتدایی می‌داند (هورویتز و دی، ۲۰۰۷). یک برنامه هنری باکیفیت به موضوعاتی می‌پردازد که ممکن است در سایر کلاس‌ها به آن پرداخته نشود و از این طریق موجب می‌شود تا نه تنها کودکان به طور منظم در مدرسه حضور داشته باشند، بلکه بتوانند با بیان ایده‌ها، نظرات و قضاوت‌هایشان، خودشان را ابراز کنند (همان منبع). با توجه به نقشی که هنر در برنامه درسی دارد، نهاد تعلیم و تربیت ایران نیز در بحث از ساحت‌های شش‌گانه وجودی متربیان، به بعد زیبایی‌شناختی و هنری تربیت، توجه ویژه‌ای داشته است:

ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری) است (وزارت آموزش و پرورش،

1 Discipline-Based Art Education (DBAE)

2 Broudy

هنر به عنوان یکی از مواد درسی دوره ابتدایی، در طول هفته برای هر پایه تحصیلی، دو ساعت به آن اختصاص داده شده است. در میان فرصت‌های آموزشی هفتگی، این دو ساعت به صورت دو جلسه یک ساعته برنامه‌ریزی شده است. همه معلمان این دوره برای تدریس دروس گوناگون از انواع زمینه‌های هنر مثل ارتباط با طبیعت، نقاشی، کاردستی، تربیت‌شناویی، قصه‌گویی و نمایش استفاده می‌کنند، پس می‌توان اظهار کرد که هنر یک فرا برنامه درسی است که ساماندهی آموزش در دوره ابتدایی را هم بر عهده دارد. این اهمیت، به خوبی در رویکرد حاکم بر برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی نمایان است (رادپور و همکاران، ۱۳۹۶).

برنامه درسی هنر می‌تواند مبتنی بر رویکردهای مختلف آموزش هنر به اجرا درآید. در نظام آموزشی کنونی، آموزش هنر در دوره اول و دوم ابتدایی، مبتنی بر رویکرد «تربیت هنری» است که متناسب با این رویکرد در هر دو دوره، اهدافی از قبیل برقراری ارتباط مؤثر با طبیعت و خلقت، ارتقاء حس زیبایی‌شناسی، توانایی خلق اثر هنری، آشنایی با میراث فرهنگی و توانایی نقد هنری مورد تأکید قرار گرفته‌اند. علاوه بر موارد فوق، به طور ویژه در پایه ششم دبستان اهدافی از قبیل پرورش تفکر، باور داشتن به ارزشمندی نهادهای وطن، خانواده، هویت اسلامی-ایرانی، به کارگیری مهارت‌های زندگی، آشنایی با مشاغل و فرایندهای اقتصادی، به کارگیری مهارت‌های خوانداری زبان فارسی و مهارت‌های ریاضی به عنوان حل مسئله، شناخت و کاربرد ابزار، مواد و روش‌های علمی و فناوری در رشته‌های هنری به چشم می‌خورد. از تمایزهای اساسی میان دوره اول و دوم ابتدایی، محتوای برنامه درسی هنر است؛ به طوری که برنامه درسی هنر دوره دوم ابتدایی در میان انواع زمینه‌های هنری، به آشنایی با میراث فرهنگی تأکید دارد (رادپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹-۲۱). در ارتباط با روش تدریس برنامه درسی هنر، در دوره دوم ابتدایی شیوه‌های توضیحی، پرسش و پاسخ، نمایشی (نمایش نحوه انجام کار)، ایفای نقش، پروژه و گردش علمی کاربرد دارد (همان منبع، ۱۶۰ و ۱۶۱) و در زمینه ارزشیابی نیز از پوشه کار

فعالیت‌های هنری، خودارزیابی، ارزشیابی گروهی و مشاهده رفتار استفاده می‌شود (همان منبع، ۱۷۷-۱۸۰).

در نظام آموزشی کنونی، معلم ابتدایی به عنوان مجری برنامه درسی، همه دروس را تدریس می‌کند؛ یعنی همان معلمی که ریاضی، فارسی و علوم را تدریس می‌کند، آموزش هنر را نیز بر عهده دارد که چنین وضعیتی چالش کمبود معلم متخصص را تأیید می‌کند. هم‌چنین از سویی دیگر، تدوین کتاب راهنمای هنر برای معلمان به جای کتاب هنر برای دانش آموزان (غفاری، کاظم‌پور و اوقانی همدانی، ۱۳۹۶)، بر کم‌اهمیتی آموزش هنر صحنه می‌گذارد. این در حالی است که کمبود توجه به هنر در مدارس، می‌تواند دانش‌آموزان را از فرصت‌های مهم یادگیری و رشد محروم کند.

نکته قابل توجه آن است که با وجود اهمیتی که درس هنر در برنامه درسی دارد، اغلب در مدارس، قوای عقلانی بر قوای عاطفی اولویت دارد، به صورتی که هنر به مثابه برنامه‌ای تزئینی، پس از کار جدی مدرسه، مفید تلقی می‌شود (کیان و مهرمحمدی، ۱۳۹۲) و ساعات‌های زنگ هنر به دروس دیگری همچون ریاضی یا علوم اختصاص داده می‌شود؛ بدین معنا که در نظام آموزشی ما، دروسی مانند ریاضی و علوم بر دروسی مثل هنر، برتری دانشی دارد. در ارتباط با نقش کمرنگ و به حاشیه رانده شده درس هنر در برنامه هفتگی مدارس، مهرمحمدی و کیان (۱۳۹۳) اشاره می‌کنند: «زمان اختصاص داده شده به هنر در دوره ابتدایی، به ۴ درصد از زمان مدرسه تقلیل یافته و این زمان که زمان فعالی نیست، معمولاً به بعدازظهر یا آخرین ساعات آخرین روز هفته تعلق یافته است». این مسئله در هم‌دستی والدین با گفتمان تعلیم و تربیت، وجه قوی‌تری پیدا می‌کند، به‌طوری که برخی پژوهشگران به کم‌اهمیت تلقی کردن این درس از دیدگاه خانواده‌ها اشاره می‌کنند و آن را عاملی مؤثر در ارتباط با آسیب‌های درس هنر می‌پندارند (صفری و نظرزاده زارع، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های متعدد دیگری نیز انجام شده است که حاکی از نگاه بالا به پایین دروسی همچون ریاضی و علوم نسبت به درس هنر است. «در کشور ما جایگاه هنر و نقش پرورشی

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...؛ رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۷۱

آن برای معلمان و مدیران مدارس روشن نیست و ... نتیجه این امر از بین رفتن استعدادها و خلاقیت‌های هنری دانش‌آموزان به‌ویژه در دوران ابتدایی است» (طباطبائی، عباسی و مرتهب، ۱۳۹۴). کاویانی (۱۳۹۹) در پی شناسایی راهکارهای بهبود آموزش برنامه درسی هنر در مدارس اصفهان، از کمبود نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص در زمینه تربیت هنری و عدم آگاهی معلمان از اصول تدریس هنر می‌گوید. البته با وجود کم لطفی که به برنامه درسی هنر شده است، طبق گفته زیمنسما^۱ (۲۰۱۱)، مطالعات نشان داده‌اند که میان آموزش هنر و موفقیت تحصیلی در زمینه‌های ریاضیات، زبان، علوم و مطالعات اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد. به عنوان مثال، پژوهش الکسیوا و ساونکوا^۲ (۲۰۱۷) نشان داد که بین موفقیت دانش‌آموزان در کلاس‌های هنر و موسیقی، رشد خلاقانه فکری و دستاوردهای آموزشی در سایر موضوعات تدریس شده در مدارس همچون زبان‌شناسی، زبان‌های خارجی، ریاضیات و علوم رایانه ارتباط مستقیمی وجود دارد.

برای تغییر جایگاه هنر از حاشیه به هسته اصلی تعلیم و تربیت، تلاش‌های گوناگونی انجام گرفته است تا دانش‌آموزان را برای زندگی بهتر در جامعه امروز آماده کند. از جمله اقدامات انجام شده در این حوزه پژوهش‌هایی است که نگرش عاملان مؤثر در فرایند اجرای برنامه درسی هنر را بررسی کرده‌اند. در واکاوی این عوامل، دانش‌آموز نیز همچون معلم جایگاه به‌سزایی را به خود اختصاص داده است، برای مثال شعبانی (۱۳۹۸) معتقد است تدریس کردن با وجود دانش‌آموز و تحقق یادگیری است که معنا می‌یابد؛ موسی‌پور (۱۳۹۸) از نقش معلم و دانش‌آموز به‌عنوان «دو قطب سیال در آموزش و پرورش» یاد می‌کند و وانگ^۳ (۲۰۲۴) سیر تکاملی و ارتقای آموزش و پرورش را در خروج از رویکرد سنتی تدریس یا یادگیری معلم‌محور می‌داند و به دانش‌آموز به‌عنوان عنصری فعال می‌نگرد؛ پس می‌توان انتظار داشت علاوه بر نگرش معلمان، نگرش دانش‌آموزان هم در ارزیابی موفقیت و بهبود برنامه درسی از جمله برنامه درسی هنر نقش مهمی ایفا می‌کند

1 Siemensma

2 Alekseeva & Savenkova

3 Wang

(رحما و راهایو^۱، ۲۰۲۴).

در بحث اهمیت مطالعه و بررسی نگرش‌ها باید گفت که نگرش به‌عنوان معیار پیش‌بینی‌کننده رفتار محسوب می‌شود و بر رفتار فرد تأثیرگذار است (دلاور، ۱۳۹۱). در پیوند میان دو مفهوم نگرش و رفتار، هرچه نگرشی برای فرد اهمیت بیشتری داشته باشد، تمایل بیشتری برای تصمیم‌گیری و در نتیجه اقدام به عمل آن خواهد داشت. بنابراین، نگرش‌ها ارتباط تنگاتنگی با رفتارها دارند و ازاین‌رو، بررسی نگرش‌ها می‌تواند به پیش‌بینی عملکرد رفتاری افراد کمک کند. در این راستا، اجرای مؤفق‌یک برنامه درسی، به‌ویژه برنامه درسی هنر، بسیار تحت تأثیر نگرش‌های حاکم بر آن است. زبوا^۲ و همکاران (۲۰۲۵) معتقدند که نگرش‌های معلمان و دانش‌آموزان در اجرای درست یک برنامه درسی و تسهیل فرایند یادگیری نقشی اساسی ایفا می‌کنند. نگرش‌ها و برداشت‌های معلمان به عنوان مجریان برنامه درسی، راهبردهای اجرایی، تغییرات عملی و اقدامات لازم را فراهم می‌سازد (فولان^۳، ۲۰۰۷؛ نقل از زبوا و همکاران، ۲۰۲۵). علاوه بر معلمان، دانش‌آموزان نیز می‌توانند با بیان نگرش‌های خود از طریق ارائه پیشنهادها و استدلال‌ها نسبت به فرایند یادگیری، به بهبود این فرایند کمک کنند (شیدو^۴، ۲۰۰۳؛ به نقل از همان).

با توجه به موضوع پژوهش، مروری بر پژوهش‌های داخلی و خارجی در حوزه نگرش معلمان و دانش‌آموزان درباره برنامه درسی هنر انجام شده است که به شرح زیر است:

صالحی نودز و جاودانی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «شناسایی دستاوردها، فرصت‌ها، چالش‌ها و عوامل مؤثر بر اجرای طرح عید، داستان و هنر در روایت‌های آموزگاران دوره ابتدایی» نشان دادند که با اجرای این طرح، هدف‌هایی مانند تقویت خلاقیت، مهارت‌های کلامی و شنیداری، اعتمادبه‌نفس، مهارت نوشتن در دانش‌آموزان محقق شده است.

1 Rahma & Rahayu

2 Zebua

3 Fullan

4 Shidu

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...؛ رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۷۳

فرهادزاده، کیان و حاجی حسین‌نژاد (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «شناسایی مهارت‌های تجربه شده و نقش دانش‌آموزان در برنامه درسی هنر پایه ششم ابتدایی از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان» دریافتند که بایستی مدیران و والدین نسبت به برنامه درسی هنر آگاه شوند و این برنامه درسی از طریق کاربرد در زندگی روزمره دانش‌آموزان، مورد بازنگری قرار گیرد.

هاشمی، شمشیری و البرزی (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت هنری در نظام رسمی آموزش و پرورش ایران؛ از دیدگاه کارشناسان و متخصصان» انجام دادند. آسیب‌های موجود در حوزه‌های هدف‌ها و محتوا شامل فقدان رویکرد فلسفی مناسب، مشکلات تدوین هدف‌ها و محتوا و مشکلات اجرای هدف‌ها و محتوا بود. آسیب‌های حوزه روش‌های تدریس شامل عدم استفاده از روش‌های مختلف و متناسب با محتوا و عدم آموزش معلمان بود. در عنصر ارزشیابی، آسیب‌های نوع و ماهیت ارزشیابی و نحوه اجرای ارزشیابی حاصل شد. آسیب‌های دیگری نیز شامل کمبود زمان، مکان و امکانات آموزشی، مشکلات آموزشی و انگیزشی معلمان، تصمیمات اداری نادرست در ارتباط با معلمان، مشکلات ناشی از مدیریت غیر اثربخش، نگرش والدین و رویکردهای حاکم نسبت به هنر به دست آمد.

اسود و اسلامی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «برنامه درسی آموزش هنر در دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان شهرستان مهاباد» به این نتیجه رسیدند که تجربیات معلمان مطابق با هدف‌ها و محتوای مصوب برنامه درسی هنر است. هم‌چنین دیدگاه معلمان در روش‌های تدریس از قبیل روش‌های ایفای نقش، پرسش و پاسخ، یادگیری مشارکتی و گردش علمی مبتنی بر روش‌های مصوب برنامه درسی هنر می‌باشد. در ارتباط با عنصر ارزشیابی نیز معلمان در تطابق با روش‌های ارزشیابی مصوب، بر پوشه کار تأکید می‌کنند.

اسکالا، هررا-پاوو، کتسوس و رومئو^۱ (۲۰۲۴) در پژوهش خود به بررسی «تجربیات آموزشی تلفیق هنر در تدریس دوره آموزش ابتدایی اکوادور» مبتنی بر دیدگاه معلمان و نهادهای مختلف دولتی و اجتماعی-فرهنگی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که

1 Escala, Herrera-Pavo, Catusus & Romeu

علی‌رغم تمایل زیاد به تلفیق هنر در آموزش، عواملی مانند فقدان یک رویکرد بین‌رشته‌ای، عدم حمایت کافی از مدیران مدارس و عدم وجود همکاری مداوم، مانع از دستیابی به هدف‌های مورد نظر می‌شوند.

کوشچویچ، براجچیچ و جوریشیچ^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تجربیات و نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به درس هنرهای تجسمی مدرسه»، نشان دادند که بیش از نیمی از دانش‌آموزان به افزایش تعداد دروس هفتگی هنرهای تجسمی علاقه‌مند هستند و هنرهای تجسمی را امری سودمند و آرامش‌بخش در آموزش خود تلقی می‌کنند اما در مقابل اظهار کردند که بیشتر آن‌ها هرگز از سوی مدرسه به بازدید موزه‌ها و نمایشگاه‌ها نرفته‌اند.

سگانتبکا، سرنجوجی، ادوپو، تبنگانا و کانوگه^۲ (۲۰۲۱) با انجام پژوهشی تحت عنوان «ادراک معلمان شاغل از اثربخشی برنامه آموزش هنر پیش از خدمت خود در اوگاندا» به این نتیجه رسیدند که در آموزش‌های پیش از خدمت، عواملی از قبیل عدم پوشش محتوایی کافی، به کارگیری کمتر روش‌های تدریس فعال و تأکید بر ارزشیابی پایانی موجب اظهار شکایات مداوم از عدم صلاحیت معلمان در تدریس هنر شده است.

هال و تامسون^۳ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «بهره‌گیری حداکثری از مشارکت‌های آموزش هنر در مدارس» به مصاحبه با معلمان و دانش‌آموزان در مدارس مختلف پرداختند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که معلمان هنر طیف وسیعی از شکل‌ها، سبک‌ها و فناوری‌ها را به دانش‌آموزان معرفی می‌کنند و به توسعه مهارت‌ها، خلاقیت، ابراز وجود معنادار، به اشتراک‌گذاری ایده‌ها و ایجاد ارتباطات فرهنگی گسترده در دانش‌آموزان می‌پردازند. مشارکت‌های مؤثر میان مدارس و سازمان‌های هنری و فرهنگی، زمینه لازم برای دسترسی معلمان و دانش‌آموزان به مکان‌های هنری، متخصصان و منابع باکیفیت را فراهم می‌سازند.

با توجه به مطالعات انجام شده در این حوزه، کمبود اطلاعات مربوط به نگرش‌های

1 Kušević, Brajčić & Jurišić

2 Ssegantebuka, Sserunjogi, Edopu, Tebenkana & Kanuge

3 Hall & Thomson

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...؛ رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۷۵

معلمان و دانش‌آموزان، حاکی از پژوهش‌های اندکی است که به بررسی نگرش‌ها درباره برنامه درسی هنر می‌پردازند، در این میان، پژوهش‌های انگشت‌شماری به چشم می‌خورد که به بررسی تجارب دانش‌آموزان نیز پرداخته‌اند. بنابراین، انجام پژوهش به منظور بررسی نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی نسبت به اجرای برنامه‌ی درسی هنر، می‌تواند شکاف موجود در این حیطه را پر کرده و به درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه کمک کند. بر همین اساس با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توان نقاط قوت و ضعف موجود در اجرای برنامه درسی هنر دوره دوم ابتدایی را با بررسی نگرش‌ها در طیف گسترده‌تری از معلمان و دانش‌آموزان، مورد ارزیابی قرار داد. این ارزیابی می‌تواند به شناسایی بدفهمی‌ها و چالش‌های موجود در اجرای برنامه درسی هنر کمک کند و راهکارهایی برای بهبود آن ارائه دهد.

به‌طور کلی، پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی، در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره هدف‌های برنامه درسی هنر چیست؟

نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره محتوای برنامه درسی هنر چیست؟

نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره روش‌های تدریس برنامه درسی هنر چیست؟

نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره ارزشیابی برنامه درسی هنر چیست؟

این کاوش به درک عمیق‌تری از چگونگی اجرای واقعی برنامه درسی هنر از دیدگاه مجریان و مخاطبان اصلی آن کمک خواهد کرد و زمینه‌ساز ارائه‌ی راهکارهای عملیاتی برای بهبود فرآیندهای آموزش و یادگیری هنر در این دوره تحصیلی خواهد بود.

روش

ماهیت پژوهش حاضر با توجه به عنوان، هدف‌ها و پرسش‌های مطرح‌شده، مطالعه‌ای کیفی از نوع پیمایشی است. در حقیقت هدف پیمایش کیفی، شناسایی تنوع یک موضوع خاص در جامعه است (جنسن^۱، ۲۰۱۰). با توجه به اینکه پژوهش حاضر در پی شناسایی تنوع تجربیات معلمان و دانش‌آموزان در اجرای برنامه درسی هنر است، پیمایش کیفی روشی مناسب برای انجام این پژوهش می‌باشد.

جامعه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، کلیه معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی شهر قدس در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بوده است. از آنجا که امکان پژوهش از همه اعضای جامعه مشارکت‌کنندگان وجود ندارد، گروهی از اعضای یک جامعه، به عنوان نماینده محدودشده آن جامعه یعنی نمونه انتخاب می‌شوند. با این حال، در این پژوهش برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند با راهبرد ملاک‌محور استفاده شده است. ملاک اصلی ورود به مطالعه، داشتن سابقه تدریس عملی درس هنر در دوره دوم ابتدایی بوده است. ملاک‌های بعدی، انتخاب مشارکت‌کنندگان از منطقه شهر قدس و انتخاب معلمان زن و دانش‌آموزان دختر بود تا از پراکندگی بیش از حد نمونه و تداخل عوامل مرتبط با جنسیت جلوگیری شود و فرصتی برای بررسی دقیق‌تر فراهم شود. هم‌چنین، جهت افزایش حصول اطمینان از انعطاف‌پذیری و غنای داده‌ها، در انتخاب نهایی نمونه‌ها، حداکثر تنوع از نظر سابقه تدریس، رشته تحصیلی، موقعیت اقتصادی- اجتماعی مدارس و پایه‌های تحصیلی دوره دوم ابتدایی نیز در نظر گرفته شده است. در مجموع، نمونه پژوهش شامل ۱۰ معلم و ۱۰ دانش‌آموز بوده است که دانش‌آموزان نیز از میان دانش‌آموزان همین گروه از معلمان انتخاب شدند.

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...؛ رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۷۷

جدول ۱: اطلاعات معلمان شرکت‌کننده در پژوهش

کد مصاحبه‌شونده	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	پایه تدریس	نوع استخدام	سابقه تدریس	نوع مدرسه
T1	کارشناسی ارشد	شیمی	ششم	رسمی	۲ سال	برخوردار
T2	کارشناسی	ریاضی کاربردی	چهارم	رسمی	۲ سال	برخوردار
T3	کاردانی	آموزش ابتدایی	پنجم	رسمی، بازنشسته	۳۰ سال	متوسط
T4	کارشناسی	علوم تربیتی، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی	چهارم	پیمانی	۹ سال	متوسط
T5	کارشناسی ارشد	ریاضی	ششم	رسمی	۱ سال	متوسط
T6	کارشناسی ارشد	تربیت بدنی، آسیب‌شناسی و حرکات اصلاحی	پنجم	خرید خدمات، حق‌التدریس	۵ سال	برخوردار
T7	کارشناسی	آموزش ابتدایی	پنجم	رسمی	۳ سال	کم برخوردار
T8	کارشناسی ارشد	علوم تربیتی، تحقیقات آموزشی	ششم	پیمانی	۷ سال	کم برخوردار
T9	کارشناسی	علوم تربیتی، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی	چهارم	رسمی	۱۰ سال	کم برخوردار
T10	کارشناسی	علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی	ششم	رسمی	۱۹ سال	متوسط

جدول ۲: اطلاعات دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش

کد مصاحبه‌شونده	پایه تحصیلی	نوع مدرسه
S1	ششم	برخوردار
S2	چهارم	برخوردار
S3	پنجم	متوسط
S4	ششم	متوسط
S5	ششم	متوسط
S6	پنجم	برخوردار
S7	پنجم	کم برخوردار
S8	ششم	کم برخوردار
S9	چهارم	کم برخوردار
S10	ششم	متوسط

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته بر مبنای سؤالات باز پاسخ جهت رسیدن به نگرش معلمان و دانش‌آموزان استفاده شده است. در این راستا، مصاحبه‌ها به صورت گفت‌وگوی چهره به چهره و فردی میان پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافته است.

تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. در این پژوهش، تحلیل مضمون داده‌ها در دو سطح مضامین اولیه (مفاهیم ساده و کلیدی موجود در متن داده‌ها) و مضامین سازمان‌دهنده (مفاهیم انتزاعی‌تر حاصل از تلفیق گروهی از مضامین پایه) انجام شده است. کدگذاری داده‌های حاصل از این پژوهش بر اساس فرایند ۶ مرحله‌ای براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶: ۱۶-۲۳) به صورت گام به گام انجام شده است؛ به‌طوری‌که در مرحله اول، پژوهشگر از طریق مطالعه مکرر و یادداشت‌برداری متن‌های مصاحبه، با داده‌ها آشنا و به اصطلاح غرق در محتوای داده‌ها شده است. در مرحله دوم، محتوای معنایی یا نهفته در داده‌ها که از نظر پژوهشگر جالب و مهم بودند، به صورت مضامین اولیه تولید شده است. فرایند کدگذاری از طریق نرم‌افزار مکس کیودا^۲ صورت گرفته است. در مرحله

1 Braun & Clarke

2 Maxqda

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...: رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۷۹

سوم، مضامین اولیه تفسیر و تحلیل شدند، سپس به صورت مضامین بالقوه و مشخص در سطحی گسترده‌تر، مرتب و دسته‌بندی شدند. (ایجاد مضامین سازمان‌دهنده). در مرحله چهارم، اعتبار مضامین ایجاد شده از لحاظ ارتباط با کل مجموعه داده‌ها، مورد بازبینی قرار گرفته است. در مرحله پنجم، پژوهشگر ماهیت هر یک از مضامین را مشخص و تعریف کرده است تا هم‌پوشانی زیادی میان آن‌ها وجود نداشته باشد. در نهایت در مرحله ششم، گزارش نهایی به صورت روایتی تحلیلی از داده‌ها نوشته شده است.

هم‌چنین پس از تعریف و نام‌گذاری نهایی کدها، به منظور درک بهتر تنوع نگرش معلمان و دانش‌آموزان، فراوانی هر یک از مضامین بر اساس تعداد دفعات تکرار آن‌ها در داده‌ها ثبت گردیده است. این کار به پژوهشگر کمک نموده است تا مشخص نماید کدام یک از مضامین بیشترین و کدام یک کمترین تکرار را داشته‌اند.

یافته‌ها

آنچه در ادامه قابل ملاحظه است، پاسخ‌های معلمان و دانش‌آموزان به پرسش‌های پژوهش است که بر اساس هر یک از مضامین هدف‌ها، محتوا، روش و ارزشیابی، مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا به شکل جدول آورده شده است:

سوال اول: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره هدف‌های برنامه درسی هنر چیست؟

در پاسخ به سوال اول، متن مصاحبه‌های معلمان و دانش‌آموزان کدگذاری گردیده و مضامین استخراج شده مربوط به هدف‌های برنامه درسی هنر دوره دوم ابتدایی در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳: مضامین استخراج شده از نگرش معلمان و دانش‌آموزان درباره هدف‌های برنامه درسی هنر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
هدف‌های شناختی	شناسایی و هدایت استعدادهای هنری	۴ بار	شناسایی استعدادهای هنری	۱ بار
	شناسایی سابقه هنری دانش‌آموزان	۲ بار		
	شناخت ابعاد شخصیتی	۳ بار		
	آشنایی با شاخه‌های مختلف هنری	۵ بار		
	آشنایی با رنگ‌های اصلی	۲ بار		
	آشنایی با فنون ترکیب رنگ	۲ بار		
			آشنایی با مشاهیر و هنرمندان	۱ بار
هدف‌های نگرشی	توجه به نظم کلاس هنر	۳ بار	توجه به نظم کلاس هنر	۲ بار
	پرورش حس زیبایی‌شناختی	۲ بار	پرورش حس زیبایی‌شناختی	۳ بار
	ایجاد حس احترام نسبت به آثار هنری	۴ بار	ایجاد حس احترام نسبت به آثار هنری	۲ بار
	ارتقاء مسئولیت‌پذیری	۱ بار	ارتقاء مسئولیت‌پذیری	۲ بار
	افزایش اعتماد به نفس	۲ بار	افزایش اعتماد به نفس	۲ بار
	التزام معلمان به توسعه حرفه‌ای	۲ بار		
	هنر ابزاری برای سرگرمی	۲ بار		
	ایجاد محیط یادگیری شاد	۳ بار		
	برقراری ارتباط با طبیعت	۳ بار		
	برانگیختن حس کنجکاوی	۱ بار		
	هدایت دانش‌آموزان بی‌انگیزه	۴ بار		
			ایجاد حس همدلی	۲ بار
			تقویت نگاه آیت بین	۱ بار
			ایجاد انگیزه شغلی	۶ بار
			نمایش پیشرفت‌های هنری	۱ بار

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
هدف‌های مهارتی	پرورش خلاقیت	۷ بار	پرورش خلاقیت	۳ بار
	کاربرد روزمره مهارت‌های هنری	۲ بار	کاربرد روزمره مهارت‌های هنری	۳ بار
	پرورش تخیل	۱ بار		
	تقویت حس شنوایی	۲ بار		
	تقویت مهارت‌های دست‌ورزی	۲ بار		
			پرورش تفکر	۱ بار
			تقویت مهارت کار گروهی	۱ بار
			تقویت مهارت یادگیری از همسالان	۳ بار

نگرش هر دو گروه معلمان و دانش‌آموزان نشان داد که معلمان به هر سه حیطه هدف‌های شناختی، نگرشی و مهارتی از هدف‌های برنامه درسی هنر توجه داشتند. شواهد نشان داد که با ۲۷ بار کدگذاری (در نگرش معلمان) و با ۲۰ بار کدگذاری (در نگرش دانش‌آموزان) در مورد هدف‌های نگرشی، معلمان بیشتر در پی تحقق این دسته از هدف‌ها بوده‌اند. معلمان در هدف‌های نگرشی، بیشتر به دنبال ایجاد حس احترام نسبت به آثار هنری و هدایت دانش‌آموزان بی‌انگیزه بودند (هر کدام با ۴ بار تکرار، بیشترین فراوانی را داشتند). به‌عنوان نمونه، شرکت‌کننده (T 9) در مورد ایجاد حس احترام نسبت به آثار هنری اظهار داشته است: «اینکه بگویم حتماً باید این کار را می‌کردی و این جوری درسته، نه! چون خلاقیت خود دانش‌آموز هست دیگه! من نمی‌توانم دخالتی کنم چون من معلم دارم از یک زاویه دید نگاه می‌کنم و خب آن دانش‌آموز هم از زاویه دید دیگری!»

در ارتباط با هدف‌های دیگر، معلمان به هدف‌های شناختی بیشتر از هدف‌های مهارتی اهمیت داده‌اند، به‌طوری که در داده‌های مربوط به آن‌ها، هدف‌های شناختی ۱۸ بار و هدف‌های مهارتی ۱۴ بار کدگذاری شده است. این وضعیت در حالی بود که دانش‌آموزان اذعان داشتند که معلمان آن‌ها به تحقق هدف‌های مهارتی بیشتر از هدف‌های شناختی در کلاس هنر تأکید می‌کنند، به‌گونه‌ای که هدف‌های شناختی ۲ بار و اهداف مهارتی ۱۱ بار تکرار شده‌اند. در هدف‌های شناختی، آشنایی با شاخه‌های مختلف هنری

برای آن‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت (۵ بار تکرار). شرکت‌کننده (T 2) با اشاره به این مورد گفت: «مثلاً یکی از بچه‌ها گفت من بافت مو بلبدم و در کلاس نشان داد، بچه‌های دیگر تعجب کردند و حتی خود من معلم هم یاد گرفتم و گفتم این هم هنر هست دیگر. فقط نقاشی که نیست.»

در خصوص هدف‌های مهارتی، این سطح از هدف‌های نیز در نگرش معلمان و دانش‌آموزان از تنوع مشابهی برخوردار بوده است. هم‌چنین، پرورش خلاقیت در هدف‌های مهارتی، برجسته‌تر از سایر هدف‌ها بوده است (۷ بار تکرار). بر اساس نگرش دانش‌آموزان، معلمان به تحقق هدف‌های نگرشی، به‌ویژه ایجاد انگیزه شغلیابی (۶ بار تکرار) توجه ویژه‌ای داشته‌اند. برای مثال، شرکت‌کننده (S 1) در این مورد گفت: «مثلاً کسانی که علاقه داشته باشند، می‌توانند بروند نقاشی‌هایشان را که کشیده‌اند، بفروشند و پول دریاورند. (کسب درآمد کنند).» نکته قابل توجه این است که دانش‌آموزان معتقد بودند معلمان‌شان توجه چندانی به هدف‌های شناختی ندارند.

سوال دوم: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره محتوای برنامه درسی هنر چیست؟

در پاسخ به سوال دوم، متن مصاحبه‌های معلمان و دانش‌آموزان کدگذاری شده و مضامین استخراج شده مربوط به محتوای برنامه درسی هنر دوره دوم ابتدایی در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۴: مضامین استخراج شده از نگرش معلمان و دانش‌آموزان درباره محتوای برنامه درسی هنر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
توجه به محتوای مناسبی	تجربه‌های هنری نروزی	۱ بار	تجربه‌های هنری نروزی	۱ بار
	هنرورزی روز مادر	۱ بار	هنرورزی روز مادر	۱ بار
	فعالیت‌های هنری ماه رمضان	۱ بار		
	کارهای هنری شب یلدا	۱ بار		
			فعالیت‌های هنری تربیت بدنی	۱ بار

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...؛ رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۸۳

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
تنوع‌بخشی به فعالیت‌های آموزش و یادگیری			کارهای هنری دخترانه	۱ بار
	کاردستی	۱۰ بار	کاردستی	۸ بار
	نقاشی	۸ بار	نقاشی	۷ بار
	نمایش	۶ بار	نمایش	۳ بار
	نقاشی به عنوان فعالیت پیوسته	۲ بار	نقاشی به عنوان فعالیت پیوسته	۳ بار
	قصه‌گویی	۳ بار		
	تربیت شنوایی	۲ بار		
	خوشنویسی	۱ بار		
	نمایش به عنوان فعالیت پیوسته	۱ بار		
			هنرهای دستی	۴ بار
به کارگیری رویکرد تلفیقی هنر	تلفیق هنر و فارسی	۹ بار	تلفیق هنر و فارسی	۴ بار
	تلفیق هنر و ریاضی	۷ بار	تلفیق هنر و ریاضی	۸ بار
	تلفیق هنر و مطالعات اجتماعی	۷ بار	تلفیق هنر و مطالعات اجتماعی	۵ بار
	تلفیق هنر و علوم	۶ بار	تلفیق هنر و علوم	۵ بار
	تلفیق هنر و هدیه‌های آسمان	۲ بار	تلفیق هنر و هدیه‌های آسمان	۳ بار
			تلفیق هنر و کار و فناوری	۲ بار
بهره‌گیری از منابع سلیقه‌ای	تجربیات پیشین معلم	۵ بار		
	آثار هنری معلم	۱ بار		
	منابع اینترنتی	۷ بار		
	استفاده از تجربیات همکاران	۵ بار		
	کتاب‌های مختلف آموزش هنر	۳ بار		
بهره‌گیری از هنرهای از پیش آموخته دانش‌آموزان	آموزش اورینگامی	۳ بار		
	آموزش نقاشی	۲ بار		
	آموزش قلاب‌بافی	۱ بار		
	آموزش بافت مو	۱ بار		
	آموزش گل کاغذی	۱ بار		
علاقه‌مندی به محتواهای ارائه شده			نقاشی	۴ بار
			هدیه دادن تولیدات هنری	۲ بار
			کلاژ	۲ بار

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
			هنرهای دستی	۳ بار
			نمایش	۱ بار
نادیده گرفتن برخی محتواهای هنری			توجه به تکنیک‌های مختلف نقاشی	۶ بار
			طراحی و ساخت هنری	۱ بار
			اجرای نمایش	۱ بار
			هنرهای دستی	۱ بار
			بازی خلاقانه	۱ بار

نگرش معلمان نشان می‌دهد که آن‌ها برای آموزش از منابع سلیقه‌ای استفاده می‌کنند که در این میان، تمرکز آن‌ها بر منابع اینترنتی و تجربیات شخصی خود و همکارانشان بوده است؛ به‌طوری که هر کدام از این منابع به ترتیب، ۷ و ۵ بار کدگذاری شده‌اند.

در خصوص فعالیت‌های هنری، نگرش هر دو گروه معلمان و دانش‌آموزان بیانگر کاربرد متنوعی از فعالیت‌های آموزش و یادگیری در کلاس هنر بوده است. در این میان، بر اساس آنچه هر دو گروه اذعان داشته‌اند، به نظر می‌رسد که معلمان بر فعالیت کاردستی (۱۰ بار تکرار در نگرش معلمان و ۸ بار تکرار در نگرش دانش‌آموزان) و نقاشی (۸ بار تکرار در نگرش معلمان و ۷ بار تکرار در نگرش دانش‌آموزان) بیشتر تأکید داشته‌اند و اغلب چنین فعالیت‌هایی را در کلاس هنر انجام می‌دادند. به‌عنوان نمونه، شرکت‌کننده (S) (2 در مورد فعالیت کاردستی اظهار داشته است: «راجع به تساوی کسرهای جمع و تفریقشان درست می‌کردیم، هرکسی یک چیزی درست می‌کرد و من با لیوان مقدار چیزی که داخلش می‌ریختم را با کسر نشان می‌دادم.» هم‌چنین، معلمان و دانش‌آموزان، هر دو اذعان داشتند که محتوای برنامه درسی هنر با توجه به مناسبت‌هایی مانند ماه رمضان، نوروز، شب یلدا، روز مادر، تربیت بدنی و موضوعات دخترانه تنظیم می‌شود.

نکته قابل توجه این است که دانش‌آموزان به نقاشی، هنرهای دستی، کلاژ، نمایش و هدیه دادن تولیدات هنری علاقه‌مند بوده و درعین حال ابراز داشتند که معلمان فعالیت‌هایی

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...: رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۸۵

چون اجرای تکنیک‌های مختلف نقاشی، طراحی و ساخت هنری، اجرای نمایش، هنرهای دستی و بازی خلاقانه را نادیده می‌گیرند. علاوه بر این، نگرش معلمان نشان داد که آن‌ها تنها به روش معلم‌محور عمل نمی‌کنند و دانش‌آموزان نیز از طریق آموزش هنرهای از پیش آموخته خود مانند اوریگامی، نقاشی، قلاب‌بافی، بافت مو و گل کاغذی، مشارکت داشتند. شرکت‌کننده (T 6) در ارتباط با آموزش گل کاغذی بیان نموده است: «به بچه‌ها می‌گویم که هر گروهی، چیزی را که دوست دارید، آموزش بدهید؛ مثلاً بچه‌ها جلسه گذشته هنر با دستمال کاغذی، گل درست کردند.»

نگرش معلمان و دانش‌آموزان نشان داد که در میان رویکردهای مختلفی که نسبت به برنامه درسی هنر وجود دارد، معلمان به رویکرد تلفیقی هنر روی آورده بوده‌اند. این دو گروه، به‌طور مشترک به تلفیق هنر با دروس فارسی، ریاضی، مطالعات اجتماعی، علوم و هدیه‌های آسمان اشاره کردند؛ درحالی که دانش‌آموزان به‌طور مجزا به تلفیق هنر با درس کار و فناوری نیز اشاره داشتند. به‌عنوان مثال، شرکت‌کننده (S 10) با اشاره به تلفیق هنر و کار و فناوری اظهار داشته است: «درست کردن دستبند و چیزهای تزئینی یاد گرفتیم که با کتاب کار و فناوری‌مان مرتبط بود.»

سوال سوم: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره روش‌های تدریس برنامه درسی هنر چیست؟

در پاسخ به سوال سوم، متن مصاحبه‌های معلمان و دانش‌آموزان کدگذاری شد و مضامین استخراج شده مربوط به روش برنامه درسی هنر دوره دوم ابتدایی در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۵: مضامین استخراج شده از نگرش معلمان و دانش‌آموزان درباره روش برنامه درسی هنر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
التزام به ابزار و مواد آموزشی ساده و کم‌هزینه	تأکید بر مواد در دسترس	۶ بار	کار با مواد در دسترس	۸ بار
	استفاده از مواد	۲ بار	استفاده از مواد دورریختنی	۱ بار

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
	دورریختی			
	استفاده از مواد موجود در طبیعت	۲ بار	کار با مواد موجود در طبیعت	۱ بار
	تدارک جمعی وسایل مورد نیاز	۱ بار		
			استفاده از ابزار کم هزینه	۱ بار
به‌کارگیری شیوه‌های سنتی تدریس	غلبه فعالیت‌های انفرادی بر گروهی	۶ بار	غلبه فعالیت‌های انفرادی بر گروهی	۷ بار
	تولید و ساخت مکانیکی	۳ بار	تولید و ساخت مکانیکی	۵ بار
	سخنرانی	۳ بار	سخنرانی	۲ بار
	تأکید بر هنر فرمولی	۱ بار	تأکید بر هنر فرمولی	۳ بار
	الگودهی	۱ بار	الگودهی	۲ بار
	تکلیف‌محور	۱ بار		
			آزادی مطلق و غیر مقید	۶ بار
			نمایش نحوه انجام کار توسط معلم	۱ بار
				
بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تدریس	غلبه فعالیت‌های گروهی بر انفرادی	۴ بار	غلبه فعالیت‌های گروهی بر انفرادی	۳ بار
	آموزش همیارانه	۴ بار	آموزش همیارانه	۴ بار
	پرسش و پاسخ	۲ بار	پرسش و پاسخ	۱ بار
	نمایش سمعی	۱ بار		
	نمایش بصری	۱ بار		
	گردش علمی	۱ بار		
			نمایش سمعی و بصری	۱ بار
			سخنران میهمان	۱ بار
			روش تدریس مبتنی بر بازی	۱ بار
آماده‌سازی دانش‌آموزان	ایجاد پرسش در ذهن دانش‌آموزان	۳ بار		
	پیش‌آگهی درباره فعالیت	۱ بار		

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
	کلاسی			
	ایجاد انگیزه بیرونی از طریق تشویق	۱ بار		
مشارکت دادن دانش‌آموزان	به کارگیری پیشنهادهای دانش‌آموزان	۶ بار		
	همیار فناوری	۱ بار		
تمایلات متنوع نسبت به فرایند اجرای زنگ هنر			تمایل به فعالیت‌های گروهی	۶ بار
			تمایل به فعالیت‌های انفرادی	۳ بار
			تمایل مشترک به فعالیت‌های گروهی و انفرادی	۱ بار

نگرش معلمان حاکی از این است که آن‌ها به‌منظور طراحی اقدامات پیش از تدریس برای شروع کلاس هنر و جلب همکاری دانش‌آموزان، به ایجاد پرسش در ذهن دانش‌آموزان، پیش‌آگهی درباره فعالیت کلاسی و ایجاد انگیزه بیرونی از طریق تشویق می‌پرداختند. در همسویی نگرش معلمان و دانش‌آموزان باهم، هر دو گروه به استفاده از ابزار و مواد آموزشی ساده و کم‌هزینه در کلاس هنر اشاره نموده‌اند. در این نوع از ابزار و مواد آموزشی، استفاده از مواد در دسترس برای انجام فعالیت‌های هنری رایج بوده است.

با توجه به اظهارات هر دو گروه، معلمان از ظرفیت هر دو دسته شیوه‌های سنتی و نوین تدریس بهره برده‌اند. در این میان، نگرش معلمان نشان می‌دهد که تفاوت چندانی میان میزان بهره‌گیری از شیوه‌های سنتی (۱۵ بار تکرار) و نوین تدریس (۱۳ بار تکرار) وجود ندارد. در این خصوص، برخی از معلمان اظهار داشتند که به علت ضعف پیشینه هنری دانش‌آموزان، ناچار بودند که به شیوه‌های سنتی هم روی آورند؛ اما به نظر می‌رسد اظهارات دانش‌آموزان چندان با معلمان همسو نبوده است؛ چرا که نگرش آن‌ها نشان داد که معلمان اغلب از شیوه‌های سنتی استفاده می‌کردند و شیوه‌های نوین، کاربرد کمتری داشته است؛ به‌طوری که شیوه‌های سنتی تدریس با ۲۶ بار تکرار نسبت به شیوه‌های نوین

(۱۱ بار تکرار)، فراوانی بیشتری داشته است.

نکته قابل توجه این است که دانش‌آموزان تمایلات متنوعی نسبت به فرایند اجرای زنگ هنر داشته‌اند؛ به طوری که بیشتر آن‌ها به انجام فعالیت‌های گروهی (۶ بار تکرار) علاقه‌مند بودند و این در حالی است که با توجه به غلبه بیشتر انجام فعالیت‌های انفرادی بر گروهی (۷ بار تکرار) نسبت به غلبه فعالیت‌های گروهی بر انفرادی (۳ بار تکرار) در نگرش دانش‌آموزان، معلمان اغلب به فعالیت‌های انفرادی توجه می‌کردند. برای مثال، شرکت‌کننده (S 6) در مورد تمایل به فعالیت‌های گروهی گفت: «کار گروهی را بیشتر دوست دارم چون همه باهم همکاری می‌کنند و قشنگ می‌توانیم هم‌فکری کنیم.»

علاوه بر آنچه ذکر شد، نگرش معلمان نشان داد که در شیوه‌هایی که برای کلاس هنر اتخاذ می‌کنند، دانش‌آموزان را نیز مشارکت می‌دادند و به پیشنهادها و علایق آن‌ها برای پیشبرد فعالیت‌های هنری توجه داشتند. در این راستا، برخی از آن‌ها از طریق بهره‌گیری از شیوه آموزش همیارانه، فرصتی برای آموزش دادن دانش‌آموزان به یکدیگر فراهم می‌کردند و برخی دیگر، تعدادی از دانش‌آموزان را به عنوان همیار فناوری، مسئول امور فناوری کلاس هنر قرار می‌دادند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده (T 7) در مورد به کارگیری پیشنهادها دانش‌آموزان گفت: «گاهی اوقات اصلاً بچه‌ها به من یک فعالیتی را می‌گویند و من هم می‌گویم جلسه بعدی انجام می‌دهیم مثلاً یک بار یک نمایشی بود که ارتباطی با درس‌هایمان نداشت ولی خب آموزنده بود.»

سوال چهارم: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره ارزشیابی برنامه درسی هنر چیست؟

در پاسخ به سوال چهارم، متن مصاحبه‌های معلمان و دانش‌آموزان کدگذاری شد و مضامین استخراج شده مربوط به ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره دوم ابتدایی در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۶: مضامین استخراج شده از نگرش معلمان و دانش‌آموزان درباره ارزشیابی

برنامه درسی هنر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اولیه در نگرش معلمان	فراوانی	مضامین اولیه در نگرش دانش‌آموزان	فراوانی
تنوع در بازخورد	ارائه پیشنهادات سازنده در کنار بیان نقاط قوت	۸ بار	ارائه پیشنهادات سازنده در کنار بیان نقاط قوت	۹ بار
	تمرکز انحصاری بر نقاط قوت	۲ بار	تمرکز انحصاری بر نقاط قوت	۱ بار
	بازخورد خلاقانه هنری	۱ بار		
وجود ملاک‌های کیفی در ارزشیابی	تأکید بر هنر تمیز	۴ بار	تأکید بر هنر تمیز	۷ بار
	توجه به تفاوت‌های فردی	۶ بار	توجه به تفاوت‌های فردی	۱ بار
	تمرکز بر خروجی خلاقانه	۲ بار	تأکید بر ارائه کارهای خلاقانه	۱ بار
	فعالیت‌های هنری خارج از کلاس	۱ بار	فعالیت‌های هنری خارج از کلاس	۱ بار
	مشاهده فرایند کار	۴ بار		
	توجه به همسال‌سنجی	۲ بار		
	سنجش مهارت در استفاده از ابزار	۱ بار		
			تأکید بر ارتباط فعالیت با موضوع تعیین شده	۴ بار
			تأکید بر ارائه نتیجه مطلوب	۴ بار
			تعهد به انجام کار هنری	۲ بار
وجود ملاک‌های کمی در ارزشیابی	مواجهه واقع‌بینانه در مورد ارزشیابی هنر	۳ بار	مواجهه واقع‌بینانه در مورد ارزشیابی هنر	۵ بار
	ایجاد فضای رقابتی	۳ بار	مقایسه توانایی‌های دانش‌آموزان با یکدیگر	۶ بار
	تسامح در نمره‌دهی	۷ بار		

نگرش معلمان و دانش‌آموزان حاکی از این است که معلمان بازخوردهای متنوعی نسبت به فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان خود داده‌اند. بیشتر آن‌ها جهت ایجاد انگیزه دانش‌آموزان به نقاط قوت کار آن‌ها اشاره نموده‌اند و علاوه بر آن، پیشنهادهایی برای پیشرفت هنری آن‌ها ارائه داده‌اند؛ به طوری که چنین بازخوردی، در نگرش معلمان ۸ بار و در نگرش دانش‌آموزان ۹ بار تکرار شده است. البته، برخی از معلمان جهت افزایش اعتماد به نفس

دانش آموزان، صرفاً بر نقاط قوت کار آن‌ها تمرکز می‌کردند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده (T 9) در مورد تمرکز انحصاری بر نقاط قوت گفت: «تمرکز ارزشیابی‌ام بر نقاط قوت بچه‌ها است و اصلاً در نقاشی یا کارهای هنری بچه‌ها به نقاط ضعف اشاره نمی‌کنم.»

نگرش هردو گروه نشان داد که در ارزشیابی معلمان، هر دو دسته ملاک‌های کیفی و کمی به چشم می‌خورد. لازم به ذکر است که بر اساس آنچه معلمان اذعان داشتند، بیشتر آن‌ها برای ارزشیابی برنامه درسی هنر، به تفاوت‌های فردی (۶ بار تکرار) اهمیت می‌دادند اما بر اساس اظهارات دانش‌آموزان، تأکید آن‌ها بر هنر تمیز (۷ بار تکرار) بیشتر بوده است. به عنوان نمونه، شرکت‌کننده (T 1) در مورد توجه به تفاوت‌های فردی اظهار داشته است: «بچه‌ها باهم مقایسه نمی‌شوند که مثلاً کار فلان دانش‌آموز از دیگری بهتر است و هر کس با توانایی خودش سنجیده می‌شود.»

در خصوص ملاک‌های کمی، بیشتر معلمان با اتخاذ توقعات سطح پایین، عدم سخت‌گیری و افزایش روحیه مثبت در دانش‌آموزان، نسبت به ارزشیابی این درس تسامح داشتند (۷ بار تکرار) و کمتر به ارزشیابی واقع‌بینانه پرداخته‌اند (۳ بار تکرار). در مقایسه با آنچه معلمان اذعان داشتند، دانش‌آموزان به ارزشیابی واقع‌بینانه (۵ بار تکرار) و مقایسه توانایی‌های یکدیگر از سوی معلمان خود (۶ بار تکرار) بیشتر اشاره نموده‌اند. بر اساس اظهارات هردو گروه، برخی از معلمان ضمن مواجهه واقع‌بینانه‌ای که در ارزشیابی داشتند، با مقایسه فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان، فضایی رقابتی نیز ایجاد می‌کردند. به عنوان مثال، شرکت‌کننده (S 3) در ارتباط با مواجهه واقع‌بینانه در مورد ارزشیابی هنر اظهار داشته است: «معلم‌مان عادلانه نمره می‌دهد یعنی نمره واقعی هر کس را بر اساس زحمتی که کشیده است، می‌دهد.»

بحث و نتیجه‌گیری

در خصوص هدف‌های برنامه درسی هنر، بر اساس تحلیل‌های انجام شده، می‌توان بیان کرد که نگرش معلمان و دانش‌آموزان، درک جامع و متنوعی از اجرای برنامه درسی هنر در مدارس دوره دوم ابتدایی ارائه داده است. در زمینه هدف‌های برنامه درسی هنر، نگرش

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...؛ رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۹۱

معلمان و دانش‌آموزان نشان داد که تنوعی از هدف‌های شناختی، نگرشی و مهارتی در طی فرایند آموزش و یادگیری زنگ هنر تحقق می‌یابد. با این حال، به نظر می‌رسد که معلمان به علت نداشتن تخصص کافی، به هدف‌های نگرشی توجه ویژه‌ای داشتند تا نگرش‌های مثبت و متنوعی را نسبت به درس هنر در دانش‌آموزان خود ایجاد کنند. در خصوص هدف‌های شناختی نیز، معلمان اغلب در پی استعدادیابی دانش‌آموزان بودند ولی بر اساس آنچه نگرش دانش‌آموزان نشان داد، معلمان توجه اندکی به هدف‌های شناختی داشتند. هم‌چنین آن‌ها در تحقق هدف‌های مهارتی، اغلب به کسب مهارت‌های اولیه‌ای مانند پرورش خلاقیت و کاربرد روزمره مهارت‌های هنری اهمیت داده‌اند.

یافته‌های به دست آمده در این بخش، با توجه به نتایج پژوهش‌های صالحی نودز و جاودانی (۱۴۰۳)، فرهادزاده، کیان و حاجی‌حسین‌نژاد (۱۴۰۱)، اسود و اسلامی (۱۴۰۰) و هال و تامسون (۲۰۲۱) مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتایج این مطالعات نشان داد که به‌طور کلی، مجموعه‌ای از هدف‌های شناختی شامل معرفی شکل‌ها، آشنایی با سبک‌های هنری و کشف استعداد هنری، هدف‌های نگرشی مانند افزایش اعتماد به نفس، ایجاد انگیزه و علاقه به هنر، ایجاد همدلی میان دانش‌آموزان و تأکید بر زیبایی‌شناسی و هدف‌های مهارتی از قبیل پرورش انواع مهارت‌های هنری، کلامی، حسی، حرکتی و ارتباطی، تقویت خلاقیت و ابتکار عمل، در راستای اجرای برنامه درسی هنر به چشم می‌خورد.

به طور کلی، در مقایسه با اهداف برنامه درسی قصد شده هنر (رادپور و همکاران، ۱۳۹۱)، اهدافی از قبیل ارتباط با طبیعت، پرورش حس زیبایی‌شناسی و توانایی خلق اثر هنری در برنامه درسی اجرا شده هنر به چشم می‌خورد اما به ندرت به آشنایی با میراث فرهنگی و باور به ارزشمندی آن، نقد هنری، پرورش تفکر و شناخت ابزار و روش‌های علمی و فناوریانه توجه شده است.

در ارتباط با محتوای برنامه درسی هنر، نگرش معلمان نشان داد که منابع آموزشی آن‌ها سلیقه‌ای است و توجهی به کتاب راهنمای معلم نداشتند به‌طوری‌که اغلب

از منابع اینترنتی و تجربیات پیشین خود و همکارانشان استفاده می‌کنند. نگرش معلمان و دانش‌آموزان به‌طور مشترک حاکی از این بود که در میان محتواهای هنری مختلف، تأکید بیشتری بر فعالیت‌های کاردستی و نقاشی می‌شود و دیگر شاخه‌های هنری از قبیل نمایش، قصه‌گویی، تربیت شنوایی، خوشنویسی، هنرهای دستی و بازی‌های خلاقانه هنری، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که معلمان در تعیین محتوای برنامه درسی هنر به مناسبت‌های مختلفی از قبیل ماه رمضان، نوروز، شب یلدا، روز مادر، تربیت‌بدنی و موضوعات دخترانه هم توجه داشتند. هم‌چنین، از طریق فراهم کردن فرصت برای آموزش هنرهای از پیش آموخته دانش‌آموزان مانند اوریگامی، نقاشی، قلاب‌بافی، بافت مو و ساخت گل کاغذی، آن‌ها را در اجرای برنامه درسی هنر مشارکت می‌دهند. نکته قابل توجه این است که معلمان به رویکرد تلفیقی برنامه درسی هنر روی آورده بودند که بر اساس آن، درس هنر بیشتر با دروس فارسی، ریاضی، مطالعات اجتماعی و علوم تلفیق می‌شد اما معلمان نسبت به اتخاذ این رویکرد در زنگ هنر نگاهی ابزاری داشتند؛ از این جهت که این زنگ فرصتی است برای دست‌ورزی‌های دروس دیگر تا یادگیری معنادار و بهتری در دانش‌آموزان صورت بگیرد.

یافته‌های به دست آمده در این بخش، با توجه به نتایج پژوهش‌های اسود و اسلامی (۱۴۰۰) و اسکالا، هررا-پاوو، کتسوس و رومثو (۲۰۲۴) مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتایج این مطالعات نیز نشان می‌دهد که معلمان برای آموزش هنر از منابع گوناگونی شامل کتاب‌های آموزش هنر، سایت‌های اینترنتی، ویدئو و فایل صوتی بهره می‌برند. درعین حال، در میان طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های هنری رایج در کلاس درس، بیشترین فراوانی مربوط به نقاشی و کاردستی بوده است. این پژوهش‌ها هم‌چنین بیانگر آن هستند که معلمان توجه کمتری به آشنایی دانش‌آموزان با میراث فرهنگی و ارزش‌های بومی دارند. با این وجود، مطالعات مذکور بر لزوم اتخاذ رویکرد تلفیقی هنر و مزایای آن تأکید کرده و درصدد افزایش مشارکت دانش‌آموزان از طریق فراهم کردن فرصت‌های هنری هستند.

به طور خلاصه، در مقایسه با آنچه از محتوای برنامه درسی هنر در برنامه درسی قصد

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی... رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۹۳

شده (رادپور و همکاران، ۱۳۹۱) ذکر شده است، با وجود تنوع بخشی به به فعالیت‌های هنری در اجرای برنامه درسی هنر، نگرش معلمان و دانش‌آموزان حاکی از توجه اندک به محتواهایی از قبیل تربیت شنوایی، نمایش، قصه‌گویی و آشنایی با میراث فرهنگی بوده است.

در خصوص روش‌های تدریس برنامه درسی هنر، برخی از معلمان، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای شروع زنگ هنر را مهم می‌دانستند. از طرفی، نگرش هردو گروه نشان داد که معلمان به استفاده از مواد و ابزار آموزشی ساده و کم‌هزینه تمایل دارند تا خانواده‌ها از نظر اقتصادی با مشکل مواجه نشوند و هم‌چنین، انگیزه‌ای باشد تا برای اجرای مناسب برنامه درسی هنر همکاری کنند. بر اساس اظهارات معلمان و دانش‌آموزان، هم شیوه‌های سنتی و هم شیوه‌های نوین در تدریس معلمان مشاهده می‌شود اما نگرش دانش‌آموزان نشان داد که معلمان بیشتر شیوه‌های سنتی مانند تأکید بر فعالیت‌های انفرادی را به کار می‌گیرند و این در حالی است که آن‌ها به فعالیت‌های گروهی بیشتر علاقه‌مند هستند. لازم به ذکر است که معلمان به پیشنهادات دانش‌آموزان خود نیز توجه داشتند و تلاش می‌کردند که به پیشنهادات آن‌ها توجه کنند.

یافته‌های به دست آمده در این بخش، با توجه به نتایج پژوهش‌های اسود و اسلامی (۱۴۰۰)، کوشچیچ، براجچیچ و جوریشیچ (۲۰۲۲) و سگانتبکا، سرنجوگی، ادوپو، تنگانا و کانوگه (۲۰۲۱) مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این مطالعات نیز به بهره‌گیری از انواع شیوه‌های سنتی، نوین و فعال توسط معلمان اشاره شده است. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان دادند که معلمان شیوه‌های سنتی و درعین حال فعالی مانند پرسش و پاسخ و ایفای نقش، شیوه‌های نوین و فعالی مانند تدریس تلفیقی، یادگیری مشارکتی (تدریس تعاملی)، تدریس خلاقانه و گردش علمی را به کار می‌گرفتند اما با این حال، در دیدگاه‌های مقابل، دانش‌آموزان اذعان داشتند که تا به حال، از سوی مدارس برای بازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها نرفته بودند. در همین راستا، تعدادی از معلمان نیز با اشاره به به کارگیری کمتر روش‌های تدریس فعال، ضعف مهارت‌های هنری خود، تأثیر دانش نامناسب و در نتیجه،

عدم صلاحیت کافی معلمان برای تدریس هنر، نگرش‌های منفی نسبت به روش‌های اجرای برنامه درسی هنر داشتند.

مطابق با آنچه از روش‌های تدریس در برنامه درسی قصدشده هنر (رادیو و همکاران، ۱۳۹۱) اشاره شده است، نگرش معلمان و دانش‌آموزان نشان داد که در اجرای برنامه درسی هنر، اغلب شیوه‌های سخنرانی (توضیحی)، پرسش و پاسخ و نمایشی کاربرد داشته‌اند و شیوه‌های ایفای نقش، پروژه و گردش علمی کمتر به کار گرفته شده است.

در ارتباط با ارزشیابی برنامه درسی هنر، در زمینه ارزشیابی برنامه درسی هنر، هر دو گروه اذعان داشتند که در بازخوردهایی که بیشتر معلمان به کارهای هنری دانش‌آموزان می‌دهند، ابتدا بر نقاط قوت تأکید می‌کنند و سپس، پیشنهادهایی را جهت اصلاح کار بیان می‌کنند. البته برخی از معلمان جهت افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان، صرفاً بر نقاط قوت تأکید می‌کردند. هم‌چنین، ارزشیابی معلمان شامل ملاک‌های کیفی و کمی بود. در ارزشیابی کیفی، معلمان توجه ویژه‌ای به تفاوت‌های فردی و هنر تمیز داشتند. با وجود اینکه معلمان اذعان داشتند که اغلب به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه می‌کنند اما با ایجاد فضای رقابتی، ناخواسته منجر به مقایسه توانایی‌های دانش‌آموزان باهم می‌شدند. با توجه به تسامح معلمان در نمره‌دهی و عدم جدیت لازم در ارزشیابی این درس، به نظر می‌رسد نقش معلم در ارزشیابی هنر کم‌رنگ بوده و شکاف قابل توجهی میان عملکرد واقعی دانش‌آموزان و نمرات آن‌ها به چشم می‌خورد.

یافته‌های به‌دست‌آمده در این بخش، با توجه به نتایج پژوهش اسود و اسلامی (۱۴۰۰) مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتایج این مطالعه حاکی از این بود که ارزشیابی‌های معلمان برای درس هنر، متنوع است و دو دسته کلی ارزشیابی کمی و کیفی به چشم می‌خورد. در ارزشیابی کمی، معلمان به تکرار، حافظه‌سپاری و سنجش پیشرفت دانش‌آموزان و در ارزشیابی کیفی به ساختن کاردستی، خلاقیت در رنگ‌آمیزی، توصیف مهارت‌ها و آثاری هنری، کارپوشه، چک‌لیست مشاهداتی و واقع‌نگاری توجه داشتند. هم‌چنین، دیدگاه معلمان نشان داد که نتایج ارزشیابی درس هنر، برخلاف وضعیت هنری واقعی دانش‌آموزان

صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی...؛ رجائی آسی بلاغ و همکاران | ۹۵

است که منجر به کاهش سواد هنری دانش‌آموزان و عدم نقش‌آفرینی کامل معلم به‌عنوان ارزیاب هنری می‌شود.

بر اساس شیوه‌های ارزشیابی ذکر شده در برنامه درسی قصد شده هنر (رادیو و همکاران، ۱۳۹۱)، نگرش معلمان و دانش‌آموزان نشان داد که ارزشیابی معلمان اغلب مبتنی بر مشاهده رفتار و پوشه کار فعالیت‌های هنری بوده است و به‌ندرت به شیوه‌های خودارزیابی و ارزشیابی گروهی پرداخته‌اند.

به طور کلی، بر اساس نتایج این پژوهش، معلمان و دانش‌آموزان تنوعی از نگرش‌های مثبت و منفی را درباره اجرای برنامه درسی هنر را بیان کردند. نگرش‌های هر دو گروه مطابق با آنچه در مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) از نیمه تجویزی یا انتخابی بودن درس هنر ذکر شده است، حاکی از اجرای سلیقه‌ای برنامه درسی هنر بود. با بررسی هر یک از عناصر برنامه درسی، به نظر می‌رسد که معلمان در سطح هدف‌ها، به تحقق هدف‌های سطحی مانند ایجاد نگرش مثبت و مهارت‌ها و شناخت اولیه بسنده می‌کردند و کمتر در پی تحقق هدف‌های تخصصی‌تر هنری بودند. در سطح محتوا، عدم شناخت و یا عدم توجه کافی معلمان به کتاب راهنمای معلم به علت ایده‌آل بودن و جذاب نبودن آن برای دانش‌آموزان، موجب پراکندگی محتوای زنگ هنر شده بود. در سطح روش، طیفی مشترک از شیوه‌های سنتی و نوین در تدریس معلمان وجود داشت اما لازم به ذکر است که عدم تخصص کافی معلمان در این حوزه موجب بهره‌گیری از روش‌های نامناسب هنر از قبیل تولید و ساخت مکانیکی، تأکید بر هنر تمیز، هنر فرمولی و آزادی مطلق و غیرمقید شده (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳: ۲۶۸ و ۲۶۷؛ نقل از هورویتر و دی، ۱۹۹۱) بود. چنین روش‌هایی با هدف سرگرم کردن دانش‌آموزان، تحمیل کار به آن‌ها، عدم پرورش خلاقیت و عدم ایجاد فرصت برای ابراز احساسات آن‌ها موجب می‌شدند تا کلاس هنر از ارزش هنری لازم برخوردار نباشد. در سطح ارزشیابی نیز با وجود ملاک‌های متنوع کمی و کیفی، به علت تسامح بیشتر معلمان در نمره‌دهی درس هنر، این ارزشیابی جنبه‌ای ظاهری داشت و نمایانگر عملکرد واقعی

دانش‌آموزان نبود. در نهایت، نگرش معلمان و دانش‌آموزان نشان می‌دهد که برنامه درسی هنر در مسیر حرکت خود از تدوین تا اجرا و هم‌چنین در یادگیری دانش‌آموزان، دستخوش تغییراتی می‌شود که چنین تحولاتی بیشتر در جهت تضعیف جایگاه برنامه درسی هنر می‌باشد.

پیشنهاده‌ها

۱. دوره‌های ضمن خدمت درس هنر به صورت مستمر و کاربردی برای معلمان برگزار شود.
۲. در کنار آموزش معلمان، مهارت‌های هنری آن‌ها ارزیابی شود.
۳. محتوای برنامه درسی هنر از سوی دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت، مورد بازنگری قرار گیرد.
۴. ایجاد انگیزه لازم برای معلمان از طریق برنامه‌های تشویقی در جهت اجرای بهتر برنامه درسی هنر صورت گیرد.
۵. میان مدارس و کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری لازم صورت گیرد.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع ندارند.

منابع

- اسود، سیاوش و اسلامی، ادریس (۱۴۰۰). برنامه درسی آموزش هنر در دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان شهرستان مهاباد. *نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۷(۱)، ۱۸۳-۲۱۸.
- دلاور، علی (۱۳۹۱). *مقیاس‌های سنجش نگرش*. تهران: روان.
- رادپور، فاطمه؛ آیت‌اللهی، مینو؛ شاپوریان، فریبا؛ شریف‌زاده، سید عبدالمجید؛ مرزبان، هادی؛ مهدوی، رضا و نواب‌صفوی (۱۳۹۶). راهنمای درس هنر برای معلمان (اول، دوم و سوم دبستان). دفتر تألیف کتب درسی، وزارت آموزش و پرورش.
- رادپور، فاطمه؛ آیت‌اللهی، مینو؛ شاپوریان، فریبا؛ شریف‌زاده، سید عبدالمجید؛ مرزبان، هادی؛ مهدوی، رضا و نواب‌صفوی (۱۳۹۱). راهنمای درس هنر برای معلمان (چهارم، پنجم و ششم دبستان). دفتر تألیف کتب درسی، وزارت آموزش و پرورش.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۸). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)*. تهران: سمت.
- صالحی‌نودز، ساجده و جاودانی، محمد (۱۴۰۳). شناسایی دستاوردها، فرصت‌ها، چالش‌ها و عوامل موثر بر اجرای طرح عید و داستان و هنر در روایت‌های آموزگاران دوره ابتدایی. *نشریه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۱۳(۴)، ۱۸۶-۱۷۳.
- صفایی‌موحد، سعید (۱۳۹۰). *تبیین تفاوت هنجارهای پنهان (برنامه درسی پنهان) در انتخاب استاد راهنما در دانشکده‌های علوم ریاضی و علوم تربیتی*. رساله دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- صفری، اسماعیل و نظرزاده زارع، محسن (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی درس هنر در ابعاد طراحی، اجرا و ارزیابی. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۲(۱۶)، ۸۴-۹۴.
- طباطبائی، مینو؛ عباسی، پروین و مرتعب، اعظم (۱۳۹۴). بررسی موانع اجرای درس هنر از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان. *فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان*، ۱(۳)، ۱-۱۵.
- فرهادزاده، فرشته؛ کیان، مرجان و حاجی حسین نژاد، غلامرضا (۱۴۰۱). شناسایی مهارت‌های تجربه‌شده و نقش دانش‌آموزان در برنامه درسی هنر پایه ششم ابتدایی از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان. *فصلنامه پژوهش‌های برنامه‌ریزی آموزشی و درسی «واحد چالوس»*، ۱۲(۲)، ۴۴-۲۷.
- غفاری، خلیل؛ کاظم‌پور، اسماعیل و اوقانی همدانی، مریم (۱۳۹۶). تاثیر برنامه درسی آموزش هنر

دیسپلین محور بر تربیت هنری دانش آموزان دوره ابتدایی. پژوهش در برنامه ریزی درسی.

۲(۲۵)، ۹۸-۱۱۰.

کاویانی، زهرا (۱۳۹۹). شناسایی راهکارهای بهبود آموزش برنامه درسی هنر در مقطع ابتدایی /مدارس شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، واحد اصفهان.

کیان، مرجان و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. دو فصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری. ۲۰ (دوره جدید) (۳)، ۱۸-۱.

مذیوحی، سعید (۱۳۹۶). مبانی و مفاهیم نوپدید برنامه درسی دوره ابتدایی. تهران: آوای نور.

ملکی، حسن (۱۳۹۱). برنامه ریزی درسی دوره پیش از دبستان با رویکرد اسلامی. تهران: مدرسه.

موسی پور، نعمت الله (۱۳۹۸). برنامه ریزی درسی برای معلمان. قم: بیان روشن.

مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان (۱۳۹۳). برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش. تهران: سمت.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران.

هاشمی، نجمه؛ شمشیری، بابک و البرزی، محبوبه (۱۴۰۱). آسیب شناسی تربیت هنری در نظام رسمی آموزش و پرورش ایران؛ از دیدگاه کارشناسان و متخصصان. فصلنامه آموزش پژوهی، ۸(۲۹)، ۹۳-۱۰۶.

References

- Alekseeva, L., & Savenkova, L. (2017). Art classes at school and intellectual and creative child development. *Revista Espacios*, 38 (56), 3-16.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Eisner, E. (2002). *The art and the creation of mind*. Yale University Press.
- Escala, N., Herrera-Pavo, M. A., Catasus, M. G., & Romeu, T. (2024). Educational experiences integrating the arts into teaching practice in primary education in Ecuador. *Thinking Skills and Creativity*, 54(3), 1-14. <http://doi.org/10.1016/j.tsc.2024.101671>
- Fan, W. (2024). The Relationship Between Students and Teachers and its Implications. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 29, 390-395.
- Hall, C., & Thomson, P. (2021). Making the most of school arts education

- partnerships. *Curriculum Perspectives*, 41(1), 101-106. <https://doi.org/10.1007/s41297-020-00126-0>
- Hurwitz, A., & Day, M. (2007). *Children and their art: Methods for the elementary school* (8th ed.). Wadsworth publishing.
- Jansen, H. (2010). The logic of qualitative survey research and its position in the field of social research methods. *Forum: Qualitative Social Research*, 11(2). <http://doi.org/10.17169/fqs-11.2.1450>
- Kuščević, D., Brajčić, M., & Jurišić, M. (2022). Student experiences and attitudes towards the school subject Visual Arts. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 35(1), 4643-4657.
- Rahma Dewi Perangin Angin, L., & Rahayu, E. M. (2024). Students' Perceptions Of Implementation Merdeka Curriculum In Senior High School. *Academic Journal Perspective: Language, Education and Literature*, 12 (1), 15-24. <http://dx.doi.org/10.33603/perspective.v12i1>
- Siemensma, A. (2011). No art left behind: The state of arts education today and solutions for tomorrow. *Capstone Projects and Master's Theses*, 307, 1-26.
- Ssegantebuka, J., Sserunjogi, P., Edopu, R., Tebenkana, T., & Kanuge, B. J. (2021). In-service teachers' perceptions of the effectiveness of their pre-service art education program in Uganda. *Problems of Education in The 21st Century*, 79(1), 118-132. <https://doi.org/10.33225/pec/21.79.118>
- Zebua, M., Zebua, A. C., Waruwu, P. T., Bate'e, J. F. E., Waruwu, F. P., & Waruwu, J. O. (2025). Teachers' and students' perception towards the implementation of independent curriculum in English learning. *Pubmedia Jurnal Pendidikan Bahasa Inggris*, 2(2), 1-13. <https://doi.org/10.47134/jpbi.v2i2.1368>

استناد به این مقاله: رجائی آسی بلاغ، فرناز، صالحی متعهد، زهرا، اکرادی، احسان. (۱۴۰۴). صدای هنر در دبستان: نگرش معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی درباره اجرای برنامه درسی هنر، فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، ۶(۱۸)، ۶۳-۹۹. DOI: 10.22054/qric.2025.87648.429



Qualitative Research in Curriculum is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.